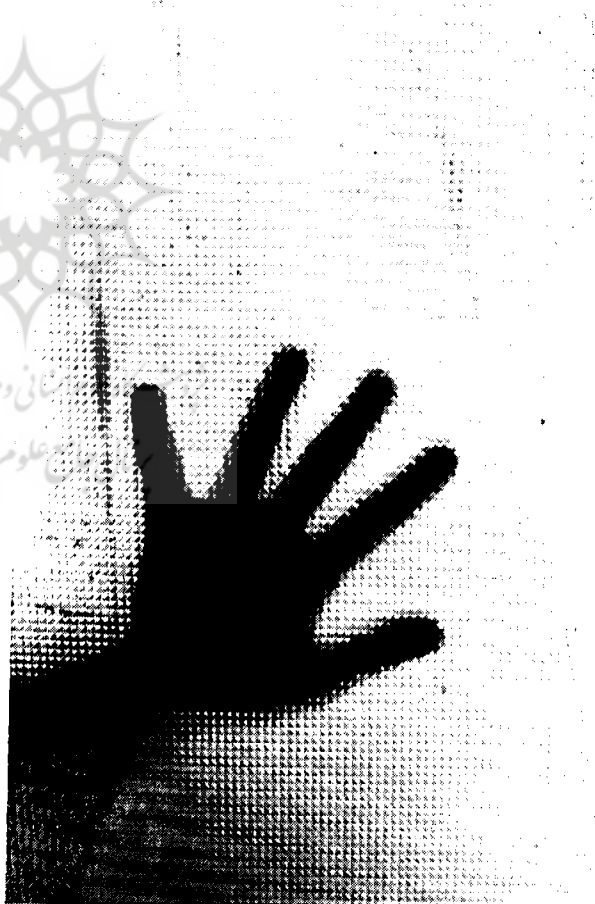


فقر عاطفی در کودکان و نوجوانان

عزت‌الله سام آرام

آنچه در این بحث آمده است، بیان ساده یک مسأله روانی - اجتماعی است، به صورتی که برای خانواده های مختلف جامعه قابل درک و همراه با روشهای کاربردی برای پیشگیری و درمان این مسأله در وضعیتهای مشکل زا باشد. تا به حال کلمه فقرا در مورد مسائل اقتصادی و فرهنگی بسیار شنیده ایم، ولی فقر عاطفی تنها در تحلیلها و بحثهای روان شناسان و مددکاران اجتماعی مطرح می شود. اکنون در این بحث فقر عاطفی را به عنوان یکی از پایه های مهم در بروز اختلالات روانی - اجتماعی و خانوادگی در افراد و زمینه ای برای بروز بسیاری از آسیبهای اجتماعی مطرح می کنیم، به زبانی که قابل درک برای طبقات مختلف و البته با سواد جامعه باشد.

این بحث را به دلیل اهمیت آن در دو مرحله " عبور از جامعه سنتی به جامعه صنعتی " و به تبع آن شهری شدن روستائیان و مشکلات ناشی از زندگی در جامعه در حال انتقال انتخاب کرده ایم، چرا که در جوامع صنعتی پیشرفته، فقر غالب همانا فقر عاطفی است و دلیل آن هم عدم آگاهی خانواده های نسل گذشته جامعه صنعتی از عوارض توجه یکسویه به رشد اقتصادی، بدون توجه به توسعه اجتماعی و بهبود روابط درون گروهی خانواده ها بوده است.



وقتی جامعه صنعتی در مسیر رشد اقتصادی

خود، بسیاری از وظائف را از نهاد خانواده گرفت و به‌مؤسسات خارج از خانواده محول کرد، منوجه این نکته حساس‌نشد که به فقر عاطفی دامن‌زده است و نتیجه آن فقر عاطفی شدیدی است که امروزه بسیاری از مردم جوامع صنعتی را در بر گرفته و به همین دلیل اکثریت خانواده هادر ایالات متحده آمریکا و بخشهایی از اروپا، خودو فرزندانشان دچار فقر عاطفی هستند و عکس‌العملهای جوانان درجهان صنعتی غرب تحت عنوانهای هیپیگری و امروزه به شکلهای دیگر اعم از پرخاشگری، اعتیاد به مواد مخدر وافسردگی و غیره، اعتراضی است به‌نسل گذشته جهان غرب که درراه رشد اقتصادی وصنعتی جامعه شان نسلهای بعدی را از نظر عاطفی و فرهنگی قربانی کردند وحالاً ما درکشورمان در این مرحله از رشد وتوسعه و " عبور از جامعه سنتی به جامعه صنعتی " قرارداریم وشاهد تلاش بی وقفه تکنوکراتها برای تاءمین ابزارهای رشد صنعتی، ولی بدون توجه کافی به نیازهای عاطفی جامعه آینده هستیم.

مسوءولیت پدران ومادران در این مسیر، بسیار سنگین است.

پدران ومادران امروز جامعه ما ازوالدین خودشان رفتار عاطفی متعادل را گرفتند ولی شرایط شهرنشینی، رشد صنعتی، ناآگاهی برخی از آنها، فروپاشی قالبهای سنتی و فرهنگی روستائی و گرفتاریهای روزمره خانواده‌ها درتلاش برای معاش، فرصتهای سنتی انتقال عواطف متعادل به فرزندان را از آنهاگرفته است. لذا آگاه کردن وتجهیز خانواده های جامعه امروز مادراین مسیر، کمکی است به نسل آینده و مسوءولیتهای سنگینی که

به عهده آنهاست.

بدیهی است این یادآوریهها وتذکرات برای خانواده هایی که در شرایط خاص بسر می برند، یعنی خانواده های نظام گسیخته و خانواده‌های محروم از پدر و آنها که یکی از والدین دچار معلولیتهای شدید می باشد مثل خانواده های معظم شهدا و خانواده های جانبازان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که فرزندان شاهد و جانبازان هستند که باید کلیدهای جامعه اسلامی را درآینده در دست بگیرند و این امر یک ضرورت اولیه و بنیادی دارد و همانا وجود تعادل عاطفی مناسب دراین خانواده هاست که خمیرمایه اولیه برای پیشرفت فرزندان آنها در مدرسه و جامعه محسوب می شود.

حال که اهمیت این مسءله مطرح شد می پردازیم به تعریف آن.

آنچه تحت عنوان فقر عاطفی مطرح می شود، الزاماً این نیست که فرد به اندازه لازم مهربانی ندیده یا دست نوازش به سراو کشیده نشده است، بلکه موضوع چیزی فراتر از اینهاست و یکی از دلایلی که این بحث دراین جا به تحریر درآمده است، همین است که مفهوم عامیانه عاطفه مترادف است بامفاهیمی مثل مهربانی، علاقه و احساسات، و همین که روان شناس یا مددکاراجتماعی به یک مادرمی گوید که فرزندان دچارمشکل رفتار عاطفی است یا اختلال عاطفی دارد، فوراً " جواب می دهد که درخانه با او به مهربانی رفتار می شود، برای او همه چیز می خریم و... درحالی که مفهوم عملی آن چیز دیگری است وسیعی ما دراین بحث روشن کردن ابعاد مختلف این مفهوم است.

۱- رشد جسمی

۲- رشد ذهنی

۳- رشد فرهنگی

۴- رشد عاطفی

یک کودک که از نظر قد و وزن کوچکتر از همسن و سالان خودش است، از نظر رشد جسمی عقب ماندگی دارد و باید کمبودهای جسمی او مورد توجه قرار گیرد. همچنین یک کودک که از نظر ذهن کمتر از ۹۰ درجه هوش دارد، از نظر ذهنی عقب مانده است. در مورد مسائل عاطفی هم به همین صورت است که کودک باید رفتارهای عاطفی مناسب سن خودش را بروز دهد وگرنه دچار عقب ماندگی عاطفی است که بـه آن "ناپختگی عاطفی" نیز می گویند. گاه این افراد به بزرگسالی هم می رسند ولی ناپخته اند، زیرا از نظر عاطفی هنوز بالغ نشده اند، درحالی که از نظر جسمی به بلوغ رسیده اند و از نظر هوش و حافظه هم ممکن است بلوغ خوبی داشته باشند.

آثار نامطلوب ناپختگی عاطفی در سنین بالاتر و بخصوص در خانواده با اعضای خانوادگی خود فرد بروز می کند. کسی که عقب ماندگی عاطفی دارد و دچار فقر عاطفی است، همسر خوبی برای خانواده اش نیست، مادر خوب یا پدر خوبی نمی شود یا باتأخیر این خصوصیات را پیدا می کند.

فردی که دچار فقر عاطفی است، نقشهای مادری یا پدری را بموقع نمی تواند ایفا کند. اختلالات عاطفی گرچه نتیجه وجود برخی مشکلات در ساخت خانواده هستند (که در صفحات بعد تحت عنوان علت شناسی رفتارهای عاطفی غیر طبیعی به آن خواهیم پرداخت)، ولی همین اختلالات خود موجب بروز اختلالات

آنچه که تحت عنوان رفتار عاطفی مورد توجه روان شناسان و مددکاران اجتماعی است، عکس العملهایی است مثل خشم، خنده، گریه، عشق، نفرت، محبت، ترس، قهقهه زدن و مواردی دیگر که هر انسان سالم باید به نسبتی در قالب و چهارچوبهای فرهنگی جامعه و در شرایط مناسب به صورتی متعادل از خود نشان دهد. این طبیعت فرد انسانی است که خشم، نفرت، محبت، خنده و گریه خود را در شرایط مطلوب جامعه بروز دهد.

اگر یک نوجوان در زمان و مکان و موقعیست مناسب و نسبت به افراد خاص به صورتی مناسب و مطابق با الگوهای فرهنگی از خود خشم نشان دهد یا در موقع مناسب بخندد و در موقعیست مناسب گریه کند، و اگر نوجوان بتواند افراد و اشیاء را مطابق الگوهای فرهنگ جامعه دوست بدارد و نسبت به افراد یا اشیاء دیگری مطابق با فرهنگ جامعه نرنفشان دهد و بالاخره زمان و مکان و موقعیت را برای ابراز این گونه رفتارها و اظهار این گونه حالتها مورد توجه داشته باشد، می توان گفت که در رفتار این نوجوان نظم عاطفی وجود دارد. ولی اگر در یکی یا در چند مورد از این رفتارها بی نظمی طولانی بروز کند و یا در بیان این حالات نشانه‌ای از نظام گسیختگی باشد، می توان گفت احتمال وجود اختلال عاطفی مطرح می شود که به عنوان یک مشکل روانی - اجتماعی مورد توجه روان شناسان و مددکاران اجتماعی است.

به بیان ساده‌تر این که، انسان از چند بعد رشد می کند که حداقل چهار بعد آن را می توان در این بحث به عنوان ابعاد مهم رشد انسان مطرح کرد:

شدیدتری می شوند مثل افسردگی شدید ،
پرخاشگری شدید ، شب ادراری ، کمروئی و غیره
که می توان آنها را دروازه های ورود به بیماری
روانی دانست .

البته این که رفتار عاطفی برای یک فرد ناچه
حدی طبیعی است و تا چه حدی غیر طبیعی ،
امری است که شدیداً تابع خصوصیات فرد و
فرهنگ شبکه خانوادگی افراد است ، بعلاوه سن ،
هوش ، محیط اجتماعی ، تربیت و تجربیات قبلی
فرد ، در چگونگی بروز عواطف نیز مؤثر است .

آنچه که برای یک کودک امری طبیعی است ،
برای یک جوان غیرطبیعی است . یک رفتار
خشم آلود که از یک نوجوان کوچ نشین عشایر
بروز می کند ، برای یک نوجوان شهری آپارتمان
نشین امری غیر طبیعی محسوب می شود . در
مجموع وقتی که رفتار عاطفی از رفتارهای طبیعی
حاکم بر خانواده و فرهنگ خویشاوندی پیروی
نکند ، می تواند به همان درجه عدم تبعیت
از رفتارهای طبیعی خانواده ، عواطفی غیر
طبیعی و دارای اختلال باشد .

حال که طرح کلی رفتار عاطفی را ارائه
کردیم ، عوارض اختلالات عاطفی را به صورت
خیلی خلاصه و تنها با ارائه عنوانهای آنها
مطرح می کنیم .

این مسائل به ترتیب اهمیت به صورت زیر
دسته بندی شده اند :

۱ - ناراحتیهای عاداتی مثل : انگشت
مکیدن ، ناخن جویدن ، موکندن ، خوابیدن
زیاد ، دستکاری با خود .

۲ - ناراحتیهای رفتاری مثل : دروغگویی
عاطفی ، دزدی عاطفی ، فرار عاطفی ، آزار کودکانه
و پرخاشگری .



می برد، خودش را اسیر پرخاشگری یا افسردگی می یابد و دربرزگسالی به هرتجربه ای که روی این آتش درونی به طور موقت آب تسکین بریزد منکی می شود، که نمونه مثبت آن ازدواج موفق یا پیشرفت در یک رشته هنری است و نمونه منفی آن می تواند اعتیاد به مواد مخدر باشد. وقتی یک فرد معتاد به هروئین نمی تواند اعتیادش را ترک کند به این علت است که هروئین بر آن آتش درونی مربوط به محرومیها و احساس ناامنی دوران کودکی او آب موقت پاشیده است و یک فرد جوان بعد از سالها تحمل فشار درونی ناشناخته خود یکباره و برای لحظه ای آرامش را احساس کرده و زندگی بدون فشار را در یک آن تجربه نموده است و حالا ناخودآگاه به دنبال آن لحظه می گردد و به تصور این که این حالت مربوط به مصرف مواد مخدر است، مرتباً مقدار مصرف مواد را افزایش می دهد، ولی هرگز آن لحظه را دوباره نمی یابد و به همین دلیل مادامی که آن فشارهای درونی ناخودآگاه مربوط به محرومیتهای دوران کودکی وجود دارد، این فرد هم به دنبال وسیله ای است برای کاهش این فشارها و هر بار قلابهای رها شده از ستونهای امنیت روانی اجتماعی دوران کودکی خود را به دیوارهایی می افکند. اگر این دیوارها ستوار و پایرجا باشند یا گذشت زمان، به نوعی کمبودها را جبران می کنند، مثل ازدواج موفق، دوستان پایدار، شغل مناسب یا آموزش و تجربه و تخصص در یک رشته علمی یا هنری. ولی اگر این دیوارها سست و ناامن باشند مثل رفتارهای بزهکارانه، دزدی، اعتیاد و غیره، به دلیل احساس گناه بعد از عمل و حالت اضطراب شدیدی که پس از آن بوجود می آید، فرد را در حلقه ای

۳ - مشکلات عاطفی مثل: بد خوابی، گوشه گیری، افسردگی، شب ادراری، کمرویی، ترس از روابط اجتماعی.

علت شناسی در رفتارهای غیر طبیعی عاطفی اگر بخواهیم یک علت عام را برای اکثر رفتارهای غیر طبیعی عاطفی بخصوص در دوران نوجوانی و جوانی ارائه کنیم، می توانیم به وجود احساس ناامنی در دوران کودکی فرد اشاره کنیم.

کودک بخصوص در ۲ سال اول زندگی، اگر نزد مادرش زندگی کرده باشد، علیه بسیاری از این گونه اختلالات واکسینه شده است.

وقتی کودکی در دوران خردسالی خود دچار محرومیت از وجود مادر می شود، به دلیل مرگ مادر، طلاق وجدائی از مادر، زندانی شدن طولانی مادر، بستری شدن بلندمدت مادر در بیمارستان و یا حتی گرفتاریها و مسافرتیهای طولانی مدت مادر، دچار احساس ناامنی و ترس از آینده می شود و عوارض این ترس به صورت رفتارهای نابهنجار عاطفی تا آخر عمر (اگر معالجه نشود) همراه او خواهد بود.

بسیاری از کودکان محروم از مادر، با افسرده می شوند یا پرخاشگر، در دوست داشتن پایداری چندانی ندارند و تصمیمات آنها برای آینده، از ثبات مناسبی برخوردار نیست.

تلخی مربوط به ناکامیها، ترس از آینده و محرومیت از محبت مادر به صورتی که در کودکی تجربه شده، در سنین بالاتر به یاد نوجوان نمی آید، ولی همیشه به صورت آتش زیر خاکستر با ورزش هرپادی که در تجربیات بعدی زندگی بوزد، شعله های مخفی خود را نشان می دهد و بدون این که نوجوان بداند از چه چیزی رنج

کودک .

- ۸ - تنها ماندن طفل به مدت طولانی
بخصوص در شرایطی که امکان بوجود آمدن
ترسهای مختلف برای طفل مطرح است .
- ۹ - تبعیض قائل شدن بین کودکان چه از
نظر سنی ، درس ، هوش ، زیبایی وغیره .
- ۱۰ - تحقیر کودک و نوجوان بخصوص در
دوران مدرسه ، برای کسب نمرات پائین وغیره .
- ۱۱ - تحقیر کودک در شرایطی که کودک
نوعی معلولیت دارد . یا تاءکید برمعلولیت او .
- ۱۲ - عدم ابراز محبت توسط والدین به
کودک (منطقی بودن بیش از حد والدین
کودک) .



- ۱۳ - تغییرات سریع و مداوم در محل اسکان
(خانه ، مدرسه ، محله) ، بدون ایجاد آماجگی
قبلی در کودک و نهایتاً " از دست دادن دوستان
در محله و مدرسه و جدایی بدون خداحافظی .
- ۱۴ - مشکلات شدید اقتصادی خانواده که
ایجاد حداقل امکانات را برای تغذیه ، مسکن ،
لباس و حضور والدین رابرای رسیدگی به مسائل
فرزندان به خطر می اندازد .

- معیوب از اضطراب ، بزهکاری و احساس گناه
به درون می کشد و تنها کمک مددکار اجتماعی ،
مشاور یا روان شناس می تواند در بلند مدت
اورا نجات دهد .
- رفتارهای نابهنجار عاطفی و عوارض ناشی از
آن را می توان نتیجه عوامل زیر دانست :
- ۱ - نظام گسیختگی خانواده در دوران
کودکی (طلاق - مرگ مادر و ...) .
 - ۲ - وجود اختلال در روابط همزیستی مادرو
فرزندان .
 - ۳ - نارسایی در ساخت خانواده (روابط
درونی و بیرونی خانواده) و مهم جلوه دادن
این نارسایی در نزد کودک .

- ۴ - احساس ناامنی و ترس در دوران کودکی
و نوجوانی نسبت به آینده .
- ۵ - وجود اختلافات خانوادگی بخصوص
دعواهای همراه با کتک کاری والدین در حضور
کودکان .
- ۶ - اعمال جنسی والدین در حضور کودکان
حتی در دوران خردسالی کودکان .
- ۷ - وسواس والدین بخصوص مادر وتوقع
بیش از موعد از کودک در مورد نظافت شخصی

اضطراب درونی است. خاراندن سروییدن در زمان مصاحبه، می تواند نشانه سرزنش خویش باشد و مالیدن پیشانی می تواند نشانه خستگی و درماندگی تلقی گردد. بدیهی است این نشانه ها و بسیاری علائم دیگر را می توان از طریق یک مشاهده حرفه ای مورد توجه قرارداد و با چند مصاحبه حرفه ای، اطلاعات مورد نیاز را از مددجو و خانواده او کسب کرد و با استفاده از تستهای مورد اعتماد در روان شناسی بالینی مثل (تست MM.P.I) و یا تست (تکمیل جملات) به این مسائل پی برد، ولی برای یک مددکار اجتماعی با تجربه و با یک روان شناس بالینی با تجربه مشخص است که تکمیل اطلاعات در جریان ارائه کمکهای درمانی میسر است، بخصوص وقتی که مددکار اجتماعی به بازدید منزل می رود و ساخت خانواده را مورد مطالعه قرار می دهد به بسیاری از عوامل مؤثر در وجود آمدن رفتارهای غیر طبیعی عاطفی مدجو پی می برد. و مرحله درمان از طریق بوجود آمدن یک رابطه حرفه ای مناسب بین مددکار اجتماعی با مددجو و خانواده او و انجام مصاحبه های درمانی و فعالیتهای گروهی مثل جلسات روان درمانی، گروه درمانی و سایر روشهایی که در روان شناسی بالینی مطرح است، با همکاری و همراه با علاقه مندی مددجو و خانواده او انجام می شود و چنانچه مشکل عاطفی در مراحل اولیه، مثل وقتی که یک مشکل عادی (ناخن جویدن) بروز می کند، مورد رسیدگی قرار گیرد، احتمالاً با ۵ تا ۱۰ جلسه، با خدمات مددکار اجتماعی حرفه ای قابل درمان است. زمانی که مشکل عاطفی به مراحل حاد رسیده باشد (افسردگی) مرحله درمان بیش از چند ماه به طول می انجامد، آن هم با همکاری

۱۵ - مسائل مربوط به محیط مدرسه و عدم هماهنگی بین خانه و مدرسه و بخصوص در زمینه های اعتقادی که دوگانگی باورها را برای کودک و نوجوان مطرح می کند.

۱۶ - نبودن حداقل امکانات مناسب برای فعالیتهای ورزشی و هنری در اوقات فراغت کودک و نوجوان.



تشخیص

فقر عاطفی با توجه به زمینه هایی که موجب بروز آن شده است به صورتهای مختلف خودنمایی می کند مثل پرخاشگری، افسردگی، شب ادراری، ناخن جویدن و غیره که به ترتیب اهمیت آن تحت عنوانهای ناراحتیهای رفتاری و مشکلات عاطفی مطرح شده است. این وضعیتهای در تاریخچه زندگی فرد توسط خودش، والدین یا معلم به مددکار اجتماعی یا مشاور ارائه می شود و علاوه بر آن در مصاحبه اولیه، مددکار اجتماعی می تواند با مشاهده برخی حالتها و تحلیل مطالبی که مددجو مطرح می کند، به تشخیص برسد. مثلاً "وقتی مددجو در جریان مصاحبه مشت خود را گره کرده است، عضلات او کشیده و منقبض شده است، برافروختگی و سرخی چهره همراه با زمینه های عصبانیت دارد، می توان احتمال داد که مددجو دچار مشکل پرخاشگری است. وقتی مددجو مرتباً "چهره خود را لمس می کند، جلوی صندلی نشسته و به پشتی صندلی تکیه نمی کند، حالت بی تابی و عجله دارد و گویا انتظار چیزی را می کشد، می توان احتمال داد که مددجو دچار مشکل



مداوم مددکار اجتماعی با تجربه و روان شناس بالینی والبنه با علاقه مندی و همکاری خانواده مددجو .

لازم به تذکر است که مشکل عاطفی ممکن است با بالا رفتن سن مددجو و تغییر برخی شرایط محیطی تا حدی برطرف شود و با تغییر شکل بدهد . مثلا " شب ادراری کودکان در سنین بالاتر از ۲ سالگی که احتمالا " ۷۰٪ یک رفتار غیر طبیعی عاطفی است ، بعد از بلوغ ممکن است به مسائل جنسی تبدیل شود (مثل استمناء) و یا تخفیف یابد ، ولی در مراحل شدید تر به بیماری روانی تبدیل می گردد که درمان آن مربوط به حوزه روان پزشکی است که البته با کمک روان شناس بالینی و مددکار اجتماعی صورت می پذیرد .



پیشگیری

بهترین راه حل برای مشکلات عاطفی ، پیشگیری از بروز آنهاست ، و هدف از تحریر این مقاله و طرح این بحث ارائه روشهای پیشگیری به خانواده هاست که به شرح زیر عنوان می - شود :

۱ - وجود روابط سالم بین والدین : پدر و مادر باید از نظر جسمی ، فکری ، اخلاقی و عاطفی با یکدیگر روابطی همراه با تفاهم داشته باشند .

۲ - جبران کمبود حضور یکی از والدین در خانواده گسیخته : وقتی یکی از والدین به عللی حضور ندارد ، بخصوص عدم حضور مادر برای اطفال خردسال مشکلات عاطفی پایه گذاری می شود و لازم است این عدم حضور به شکلی

جبران شود . هر کدام از والدین درغیاب طولانی دیگری لازم است نقش جنس مخالف را هم بازی کند . مثلا " کودک در روز بیشتر نیاز به امر ونهی و هدایت و تحکم پدر دارد و در شب نیاز به محبت و مهربانی و حمایت مادر و لـذآذر خانواده محروم از پدر لازم است که مادر خانواده روزها نقش منطقی ، حاکمانه و هدایت پدرانه داشته باشد و شبها نقش احساسی ، حمایتی و نوازش مادرانه همراه با مهربانی . ازسوی دیگر رابطه نزدیک کودکان محروم از پدر با پدربزرگ ، دایی یا عمو تا حدی می تواند این محرومیت را جایگزین باشد و از عوارض بعدی آن که احتمالا " رفتار عاطفی غیرطبیعی

علمی و رفتن به پارک و خارج از شهر و غیره در تقویت تعادل عاطفی کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است. اهمیت هنر و هنرآموزی برای نوجوانان به حدی است که بیان آن در این مقاله نمی‌گنجد، هنرهایی مثل نقاشی، تئاتر، خوشنویسی، نویسندگی، شعر، موسیقی، هنرهای دستی مثل خیاطی، گلیم‌بافی، عکاسی، کاردستی و غیره...

۵ - رشد ایمان و اعتقادات مذهبی در کودکان و نوجوانان به عنوان ستونی محکم برای استواری رفتارهای عاطفی و کنترل رفتارها از انحرافات، بسیار ضروری است.

۶ - تأمین حداقل نیازهای کودک از نظر غذا، پوشاک، مسکن، پول توجیبی و غیره در حدی که فرهنگ جامعه وتوده، فرهنگ خانواده و خویشاوندی تعیین می‌کند، از ضروریات است، تا کودک یا نوجوان احساس امنیت نماید.

۷ - وجود مربیان با تجربه و آگاه به مسائل مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی در مدرسه و اوقات فراغت، بخصوص برای کودکان محروم از پدر، در مسیر اجتماعی شدن آنها بسیار ضروری است و می‌تواند جریان همانند سازی آنها را تسهیل نماید.

۸ - روابط میان مسوولین مدرسه اعم از معلمها و مربیان تربیتی، ناظم و رئیس با کودکان و نوجوانان باید روابطی همراه با مهربانسی، حمایت و هدایت باشد و درمدرسی که اطفال یتیم وجود دارند لازم است یک مددکار اجتماعی کارشناس برای هر یکصد نفر دانش‌آموز، همکاری مداوم داشته باشد.

روابط درون مدرسه برای رشد عاطفی کودکان و نوجوانان بسیار اهمیت دارد، چرا که مدرسه به‌عنوان اولین محیط اجتماعی برای کودکان و

است، بکاهد.

۳ - رابطه پدر و مادر با فرزندان: این رابطه باید به صورتی باشد که کودک و نوجوان احساس حمایت شدن و هدایت شدن داشته باشند و در شرایط معمولی، حالت معمولی و طبیعی بین والدین همراه با شادمانی و عواطف بموقع، منطقی بودن بموقع و تحکم بموقع باشد و در شرایط ویژه نیز رفتار والدین به صورتی نباشد که فرزندان احساس ناامنی کنند، چون تکیه‌گاه فرزندان در خانواده، والدین آنهاست. اگر کودک احساس کند که این تکیه‌گاه سست شده است، احساس ناامنی به او دست می‌دهد.

والدین باید مشکلات را تحمل کنند و فرزندان را در حد توانشان در تحمل مشکلات شرکت دهند و نه بیشتر. میان فرزندان چه از نظر جنسی یا سنی و غیره تبعیض قائل نباشند. در موقع تنبیه هر کدام از آنها به این صورت نباشد که کودک احساس کند والدین او را دوست ندارند، بلکه در هر شرایطی کودک باید اطمینان داشته باشد که والدین او را دوست دارند، ولی برخی از کارهای او را نمی‌پسندند و لذا کودک برای ترک آن کارهای بد تنبیه می‌شود که در این شرایط کودک یا نوجوان برای ترک آن کارها کوشش می‌کند.

در مجموع رفتار با کودک باید به شکلی باشد که کودک احساس عدم امنیت و طردشدگی ننماید.

۴ - پرکردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان (اوقات خارج از مدرسه و انجام تکالیف)، با فعالیت‌های ورزشی، هنری، کار-دستی، و در تعطیلات تابستانی با گردشهای

۱۱ - در موارد خاص و بروز اختلالات شدید در رفتار کودکان و نوجوانان لازم است والدین بایک مددکار اجتماعی باتجربه، یا روان‌شناس بالینی باتجربه، مشاوره نمایند، و در دسترس بودن این افراد در مدارس و مؤسسات حمایتی خانواده در حمله‌ها نیز از ضروریات است.



نوجوانان مطرح است.
همکاری بین والدین کودک و نوجوان با مسوولان مدرسه نیز از ضروریات است.

۹ - وجود دوستان همسن و سال برای کودک در فامیل یا محله و در مسافرتها وقتی مفید است که بانظر والدین انتخاب شود و تحت نظارت مداوم قرارگیرد. البته این نظارتها باید بطور مستقیم باشد و بدون واسطه، چون کنترول نوجوان به صورت غیر مستقیم و از راه دور توسط والدین، تأثیر نامطلوب در روابط بین نوجوان و والدین می‌گذارد. والدین باید سوءالات مربوط به نوجوان را ابتدا از خود او بپرسند تا اعتماد بین دوطرف تأمین شود و نوجوان هم سوءالاتش را براحتی مطرح کند.

۱۰ - جوابهای صحیح و معقول والدین به پرسشهای کودکان و نوجوانان بخصوص در مورد شناخت هویت جنسی و آینده آنها می‌تواند برای رشد عاطفی مناسب کودکان و نوجوانان مؤثر باشد.

- منابع استفاده شده برای تهیه این مقاله
- ۱ - اختلالهای رفتاری کودکان نوشته رینا ویکس - نلسون و همکار، ترجمه نقی منوش طوسی، انتشارات آستان قدس رضوی سال ۱۳۶۷
- ۲ - روان شناسی عمومی، نالیف علی اکبر شعاری نژاد
- ۳ - مبانی مشکل شناسی کودکی و نوجوانی، مهدی ضوابطی، ۱۳۶۵ تهران.
- ۴ - مددکاری اجتماعی (کاربافرد)، نالیف عزت الله سام آرام، انتشارات رشد ۱۳۶۸.
- ۵ - بهداشت روانی، نالیف دکتر سعید شاملو، انتشارات رشد.
- ۶ - روان شناسی بالینی، نالیف دکتر سعید شاملو، انتشارات رشد.
- ۷ - کاربرد روان درمانی، نالیف دکتر سعید شاملو، انتشارات رشد.
- ۸ - کاربرد روان شناسی در آموزشگاه، نالیف دکتر بردی مقدم.
- ۹ - نشریات تهیه شده در هسته مشاوره تربیتی استان تهران.
- ۱۰ - مجلات سلامت فکر.